

# ♦ زنان

## در دور نخست مذاکرات مجلس شورای ملی

نویسنده: مهری بهفر

بخش یکم

- مجلس: باید گفت که تربیت زنان در اموری که وظیفه شخصی آنهاست واجب است. از قبیل تربیت اطفال و خانه داری و حفظ مراتب ناموس و شرف و بعضی از علوم مقدماتی و علومیکه راجع باخلاق و معاش و معاشرت با خانواده باشد.
- مجلس: ... اما در امور خاصه رجال از علوم پلیتیکی و اموریاتی فعلاً مداخله ایشان اقتضا ندارد.
- انجمن ملی تبریز: ... طایفه نسوان با بچه‌هایی شیرخوار در مساجد محلات مجتمع شده و قانون اساسی را می‌خواستند...



خواهد شد»<sup>۲</sup>  
 زنان پس از اعلان مشروطه نیز عرصه‌ی اجتماع و سیاست را ترک نکردند، آنان با زیر فشار قرار دادن نمایندگان مجلس، تکمیل و اصلاح مواد قانون اساسی را خواستار شدند. «گروهی از زنان دسته‌ای بستند و برای طلبیدن قانون اساسی به مجلس رفتند، این بار دیگر بود که زنان روپوشیده‌ی ایران، با چادر و چاقچور، همپایی در جنبش آزادی می‌نمودند.»<sup>۳</sup> و با نگارش مقاله‌های متعدد در نشریه‌ها، عملکرد نمایندگان را مورد انتقاد قرار داده، تعلل و کندگی یا مسامحه‌ی آنان را در دستیابی به آرمان‌های مشروطه می‌نکوهیدند و چنین با نمایندگان

گرانی نان و احتکار غله، حمله‌ی مسلحانه به انبار غله‌ی نظام العلماء، حفاظت و پاسداری از جان روحانیان به هنگام سخنرانی بر علیه استبداد و یاری بست‌نشینان در حرم عبدالعظیم (ع) و سفارت انگلیس و سرانجام تحقق مشروطه در ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۲۲۴ تردیدناپذیر است و «هیچ خللی هم به صحت این قول وارد نمی‌شود که آن وقایع طبیعی و حقیقی بود»<sup>۴</sup>  
 خروش خودجوش زنان، برای تحقق آرمان‌های مشروطه به گونه‌ای بود، که در آن زمان در «طهران معروف بود که هر وقت زنها، برخلاف کابینه یا دولت، بلوا و شورش کنند، حالت کابینه و دولت بسیار خطرناک و سخت

● مجلس: باید گفت که تربیت زنان در اموری که وظیفه شخصی آنهاست واجب است. از قبیل تربیت اطفال و خانه داری و حفظ مراتب ناموس و شرف و بعضی از علوم مقدماتی و علومیکه راجع باخلاق و معاش و معاشرت با خانواده باشد.

با آن که در دوران مشروطه خواهی در ایران «زنی نبود که خواب مشروطه نبیند»، اما واقعیت، خواب زنان را آنچنان که سزاوار بودند و کوشیدند، تعبیر نکرد.  
 «زنان ایرانی با آن که تحت دو قسم فشار و مظالم بودند، یکی پلیتیکی و دیگری تمدنی و معاشرتی [.] برای نگاه داشتن روح آزادی، کوشش‌های بسیار می‌نمودند.»<sup>۵</sup> و در ابراز آغازین ناخشنودی‌ها و اعتراض‌های پیش و پس از مشروطه، پیشگام یا همراه مردان بودند.  
 نقش مؤثر زنان در لغو پیمان رژی، مبارزه با محتکران غله در روزهای قحطی و گرسنگی، سنگسار قائم مقام، والی آذربایجان، به سبب

● **خروش خود جوش زنان، برای تحقق آرمان‌های مشروطه به گونه‌ای بود، که در آن زمان در طهران معروف بود که هر وقت زنها، برخلاف کابینه یا دولت، بلوا و شورش کنند، حالت کابینه و دولت بسیار خطرناک و سخت خواهد شد.**

مجلس اتمام حجت می‌کردند: «اگر وکلای محترم ما توانستند یا می‌توانند تا سلخ رمضان قانون را تمام کرده و در سایر کارها ترتیبی بدهند که آسایش خلق فراهم شود، زهی شرف و سعادت والا اگر در خود پیشرفتی نمی‌بینند... همه استعفا از کار خود بدهند... و چهل روزی هم کار را به دست ما زنها واگذارند»<sup>۶</sup>

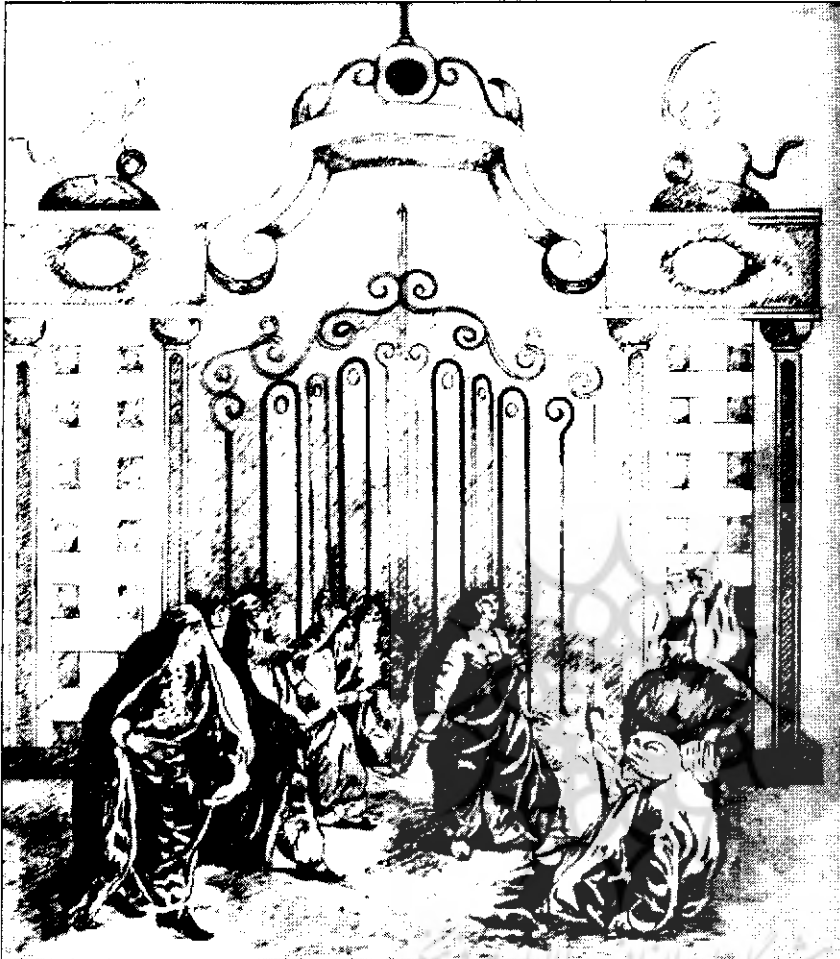
در همین زمان، با نمایندگان در وام نستاندن از بیگانگان هم‌نوا شده، برای تأسیس بانک ملی با استقبالی پرشور، کمیته نقدینه‌شان را پیشکش کردند.

اینک با نگاهی زنجویانه بر ۲۷۶ شماره‌ی روزنامه‌ی مجلس در دور نخست،<sup>۷</sup> پاداشت کوشماری زنان را برای تحقق مشروطه و مجلس شورا و امی‌کاویم.

### دانش‌خواهی زنان

عریضه‌ی یکی از خواتین با علم که در شوال‌المکرم ۱۲۲۴ هجری قمری در روزنامه‌ی مجلس منتشر شد، تنها نامه‌ای است که در طی ۲۷۶ شماره‌ی روزنامه، از سوی گروهی از زنان، در بردارنده‌ی درخواستی زن‌ورانه است.

در این نامه، زنان هنگام را برای پرداختن به امراض ظاهری و باطنی این مملکت، یعنی مردمداری و غفلت از پرورش و دانش‌آموزی زنان، خوش داشته و بر نقش زنان و دانشوری و دانستگی آنان در پیشرفت و تعالی مملکت تأکید ورزیده و خواستار کار و بهبود وضعیت



تحصیلی زنان شده‌اند، چرا که می‌پنداشتند «می‌توانیم حدس بزنیم که این آخرین مهلت و واپسین فرصت ماست» و با تصریح بر تحصیلات خود در علوم جدید، به تلویح از رئیس مجلس برای بهبوده گذراندن عمر، کار خواسته و از این وضعیت به آستان او پناه بردند:

### عریضه یکی از خواتین با علم

امروز که بفضل و منت قادر متعال کوکب بخت ایرانیان روی بافق اقبال نهاده و به برکت وجود علما اعلام کثرالله امثالهم و سایر غیرتمندان خصوصاً آن ذات شریف کار ایرانیان رو به بهبود گذاشته، خوش موقعی

بدست است که امراض ظاهری و باطنی این مملکت را بتدبیرات حکیمانه قلع و قمع و از آنجا که دشمنان ما هوشیار و بیدارکارند میتوانیم حدس بزنیم که آخرین مهلت و واپسین فرصت ما است پس بر خود و آن خداوندان حل و عقد و مدیران رتق و فتق امور واجب است که در این هنگام درخت سعادت ابدی در باغ مراد ملت بنشانند و اساس ترقی و پیشرفت این مملکت را بر پایه استوار نهند و بتربیت نسوان بپردازند حکما و فلاسفه بر این مطلب براهین متعدد اقامه کرده‌اند و عرض آنها در حضور مبارک دام نطله خلاف ادب و از قبیل

حکمت بلقمان آموختن است... ولی  
 بعرض یک دلیل جسارت ورزیده و  
 استدعای عفو دارد، در هزار سال پیش  
 دولت اسلام نخستین دولت متمدن  
 روی زمین بود و مسلمین اولین ملت  
 عالم و معلمین عالم از اهل ایران  
 بودند، در (اسپانیول) که نسبت بمسایر  
 نقاط اروپا نشر علم و اساس تقدم  
 داشت بواسطه حکما و دانشمندان  
 بخارایی علم و حکمت سرایت کرده و  
 هنوز نام حکما آن عهد را اروپائیان با  
 احترام تمام میبرند پس چه شد که آنها  
 بعلمت علمی که از ما گرفتند پیش  
 افتادند سهل است آنها تکمیل کرده از  
 آموزگاران خود در گذشتند و آنها را  
 محتاج بخود کردند... ملت ایران...  
 زودتر از ملت ژاپن به اروپا مرآوده  
 پیدا کردند چرا مثل آنها ترقیات عصر  
 جدید را فرا نگرفتند و هر کدام  
 خواستند مملکت خود را اصلاح کنند  
 پای ثباتشان لرزیده و کاری از پیش  
 نبردند، همه بواسطه همین نکته است  
 زندهای فرنگی بواسطه علم معنی  
 هیئت اجتماعی را میفهمند و میدانند  
 که فرزندان خود را برای چه کار آماده  
 کنند... و قتیکه آموزگاران و مربیات  
 اولیه اطفال را تربیت نکنیم جوانان  
 کاردان و پیران با تدبیر نخواهیم  
 داشت... یعنی می‌خواهم عرض کنم تا  
 در این مملکت زن نباشد مرد پیدا  
 نخواهد شد و تا مرد پیدا نشود از عدم  
 استقلال مملکت و بقای ملت ایمن  
 نمی‌توانیم بود پس چنانچه بنای  
 تعلم مردان در این مملکت بواسطه  
 حضرت مستطاب عالی محکم شد  
 چشم‌داشت آنستکه اساس تربیت  
 نسوان نیز بدست حضرت عالی  
 تأسیس شود.  
 و این کمینه با چند نفر دیگر که  
 برای همین مطالب به تحصیل قدری از  
 علوم جدید کوشیده و خود را تا اندازه



● مجلس: ... مخدرات محترمه  
 در مجلس و مساجد و منابر به  
 صدا در آمدند که این وجه را ولو  
 اینکه مجاناً باشد و بلاعوض  
 خودمان حاضریم که به دولت  
 داده و از خارجه استقراض  
 نشود...

حاضر نموده از کثرت انتظار  
 روزگاری سخت میگذرانیم از بیهوده  
 وقت گذراندن باستان مبارک حضرت  
 عالی که امروز قبله امید اهالی ایران  
 است پناه می‌آوریم و در اطاعت اوامر  
 مبتوعه حضرت عالی حاضریم. (امضا  
 احتراماً محفوظ است)<sup>۱</sup>

مجلس نیز در پاسخ، با گواه گرفتن حس  
 بشریت، زن و مرد را از حیث ادراک و شعور  
 همانند برمی‌شمرد و دختران را نیز همچون  
 پسران شایسته‌ی تعلیم و تربیت می‌داند:

حس بشریت گواه است که زن و  
 مرد را از حیث ادراک و شعور فرق و  
 تفاوت نیست و همچنانکه پسران قابل  
 تربیت و تعلیم هستند دختران نیز  
 لایق دانستن و آموختن خواهند بود و  
 البته روانیست که دختران و خواهران  
 وطن عزیز را از مقاومت سعادت علم

محروم داریم زیرا که جنس اناث  
 امهات کمال و مرضعات ادب و مرمیات  
 رجال [و] اطفالند.  
 انسان از روز ولادت تا آخرین  
 درجه‌ی حیات با جنس اناث که مادر و  
 خواهر و دختران و زن و خدمتکار و  
 غیرها هستند محشور است و اگر  
 کسی به دقت رسیدگی نمایند خواهد  
 دانست که اغلب اخلاق و افعال و  
 سخنان مردان در مجالس و محافل یا  
 در مسند حکومت یا در صف جنگ  
 نتیجه اخلاق و آثار زنانیست که به  
 آنها انس و علاقه داشته یا عمر خود را  
 در معاشرت آنها گذرانیده‌اند.

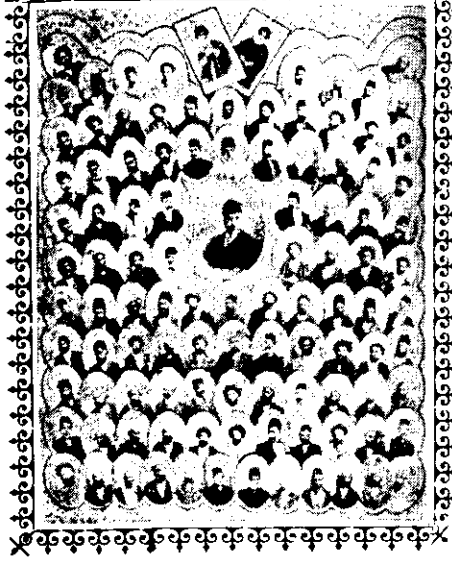
اما با انسان عام شمردن مردان، زنان را فروتر از  
 مرتبه‌ی انسان می‌نگارد و اهمیت و اعتبار آنان  
 را نه قائم به ذات که وابسته به مرد و به سبب  
 همراهی همیشگی‌شان - در نقش مادر، همسر،  
 خدمتکار - با مردان می‌داند:

و این نکته را نیز در آخر می‌افزاید که:  
 باید گفت که تربیت زنان در  
 اموری که وظیفه‌ی شخصی آنهاست  
 واجب است. از قبیل تربیت اطفال و  
 خانه‌داری و حفظ مراتب ناموس و  
 شرف و بعضی از علوم مقدماتی و  
 علومیکه راجع باخلاق و معاش و  
 معاشرت با خانواده باشد اما در امور  
 خاصه رجال از علوم پلئیکی و امور  
 حیاتی فعلاً مداخله‌ی ایشان اقتضا  
 ندارد.

به این ترتیب، تنها کاربرد دانش‌آموزی  
 زنان را بهتر و شایسته‌تر تربیت کردن اطفال -  
 مردان آینده - برمی‌شمارد و چنین می‌پندارد که  
 با برخوردار کردن زنان از آموزش‌های مناسب  
 و خاص خودشان، اطفال پرورش یافته به‌دست  
 اینان - مردان آینده - به امور خاصه‌ی خودشان  
 یعنی به امور پلئیکی و سیاسی رسیدگی  
 خواهند کرد و مداخله‌ی زنان در این امور  
 ضرورت و اقتضایی ندارد.

هرچند که زنان نیز در نامه‌ی خود، برای  
 متقاعد کردن نمایندگان، به آوردن دلیلی

مردپسند گراییدند و برای انمایاندن ضرورت تعلیم و تربیت و تحصیل زنان، از استدلال ایفای بهتر نقش مادری سود جستند، اما آنچه با همی همسانی این دو استدلال، بارز و روشن است، این است که اگر زنان این استدلال را به کار بردند، برای متقاعد کردن و تشحیذ مردان مردمداریست که تا ندانند سرانجام تحصیل و دانشوری زنان، به سود وظایف خانه‌داری، فرزندداری و همسرداری تمام می‌شود و پایه‌های اقتدار آنان را نمی‌لرزاند، بدان رضا نمی‌دهند. چرا که تحصیل زنان، در اندیشه‌ی مردسالاران، فی‌نفسه نه تنها نمی‌تواند ترغیب‌کننده باشد که مخاطره‌آمیز نیز می‌نماید.



### ● نقش مؤثر زنان در لغو پیمان رژی، مبارزه با محتکران غله در روزهای قحطی و گرسنگی، حمله‌ی مسلحانه به انبار غله و پیروزی مشروطه تردیدناپذیر است

موازین آن رفتار کنند؟! یا آن که مردان به سبب مرد بودن ناتوان مراتب ناموس و شرف را در زردیده‌اند؟ و آیا بخش کردن دانش‌آموزی به زنانه (تربیت اطفال، خانه‌داری و...) و مردانه (امور سیاسی و پلنتیکی) که برای زنان فعلاً اقتضا ندارد، به معنی واپس راندن زنان، پس از ایفای نقش مؤثرشان در پیروزی‌های پیش و پس از مشروطه، تا زمانی مقتضی - یعنی زمانی بحرانی که مردان دخالت زنان در امور سیاسی ضروری تشخیص دهند - نیست؟

#### همیاری زنان برای تأسیس بانک ملی

هنگامی که صدر اعظم - مشیرالسلطنه - برای روی کار دولت و امور کشور، وام‌ستاندن از بیگانگان را به مجلس پیشنهاد کرد، نمایندگان از این پیشنهاد سخت برآشفندند و با مذاکرات و گفت‌وگوهای بسیار و برشمردن زیان‌های این کار، سرانجام با اندیشه‌ی تأسیس بانک ملی چاره جستند.

در این هنگام، عموم مردم، به ویژه زنان با مجلس هم‌نوا شدند و از هیچ یاری و همیاری در

پس اگرچه مجلس این استدلال را برای ضرورت دانش‌آموزی زنان می‌پذیرد، تأیید می‌کند و خود نیز به کار می‌برد اما این همانندی، تنها در شکل و لفظ است و تفاوت معنایی این استدلال مشترک، که در متن تفاوت هر یک از دو جستار بروز می‌یابد، نشان می‌دهد که زنان آن را برای ترغیب نمایندگان مجلس به تحصیل زنان می‌گویند اما مجلس با انگشت تأکید نهادن بر بخش‌های مردمدار این استدلال، گذشته از این که دانش را نیز با زنانه - مردانه پردازی مردسرورانه می‌آلاید، بدین سان دخالت ندادن زنان را در امور سیاسی موجه دانسته و دانش‌اندوزی و دانشوری زنان را برای و در حد تربیت اطفال، کافی می‌پندارد و شرکت آنان را در امور خاص رجال فعلاً - که اوضاع اندکی بهبود یافته و آب‌های استبداد تا اندازه‌ای از آسیاب افتاده - مقتضی نمی‌داند.

نگته‌ی دیگری که از این عبارات مردپرورانه به روشنی نظاره گریم، این است که مجلس حفظ مراتب ناموس و شرف و... را تنها وظیفه‌ی شخصی زنان پنداشته و تربیت زنان را تنها در این امور واجب می‌داند. وظیفه‌ی شخصی زنان برشمردن حفظ مراتب ناموس و شرف و جوب تربیت زنان در این امور، پرسش‌هایی را فراروی می‌نهد، نخست این که آیا به کار بردن کلمه‌ی وظیفه شخصی برای حفظ مراتب ناموس و شرف، بدین معناست که مردان در حفظ این مراتب وظیفه‌ای ندارند و حتی می‌توانند بر خلاف

تحقق این آرمان ملی کوتاهی نورزیدند. اهل مجلس محض پاس حقوق شاهانه و حفظ شئون ملی و ملاحظات خیرخواهانه دولت و ملت قرض از خارجه را تصویب ننمودند عموم اهالی غیرتمند وطن‌پرست که خدای حافظ و ناصرشان باد حتا مخدرات محترمه در مجلس و مساجد و منابر بصدا درآمدند که این وجه را ولو اینکه مجاناً باشد و بلاعوض خودمان حاضریم که به دولت داده و از خارجه استقراض نشود...

قرض دادن زنان به دولت، برای تأسیس بانک ملی و همیاری آنان با مجلس در وام‌ستاندن از بیگانگان یکی از مواردی است که این به حاشیه‌رانده‌شدگان را به روزنامه و مذاکرات مردانه‌ی مجلس، تحمیل کرده است. نمود دفاع وفادارانه‌ی زنان از مجلس، در عین ناتوانی مادی و ناخودکفایی آنان، از بخش‌های مهم همیاری و حضور زنان است:

مکتوبی است که یکی از مخدرات وطن‌پرست غیرت‌مند ایرانی از قزوین به جناب سعدالدوله ارسال داشته است

حضور مبارک پدر مهربان ملت ایران حضرت آقای سعدالدوله دامت شوکت [خوانده نشد] بنده کمینه که جان ناقابل خودم را با نهایت افتخار برای پیشرفت مقاصد حضرت امنای دارالشورای ملی حاضریم فدای نمایم در روزنامه مبارکه مجلس دیدم که در خصوص تأخیر مراقبت عموم در بانک ملی کمکم خواطر مبارک و کلامی محترم دارد مکرر و مایوس می‌شود. این جان کمینه فدای آن ساحت مقدس باد که گویا هنوز از فقر و پریشانی ملت اطلاع ندارید والله و بالله که ظلم و تعدی چیزی از برای ما باقی نگذارده است والا تا این درجه ایرانیان

## ● زنان پس از اعلام مشروطه با زیر فشار قراردادن نمایندگان مجلس، تکمیل و اصلاح مواد قانون اساسی را خواستار شدند.

بی‌غیرت و بی‌همت نیستند. بعلاوه همه کس دسترس به تهران ندارد که بتواند به اندازه استطاعت سند سهام بانک را دریافت نماید و این کمیته مقدار ناقابل از زیور آلات خود را که برای ایام سخت ذخیره کرده بودم فقط برای افتخار به جهت بانک ملی فرستادم... بفرمائید اشیاء مرسوله را اعضاء محترم بانک ملی به امانت و شرافت خودشان فروخته و هرچه قیمت آنها شد سند سهام بانک برای کمیته روانه فرمایند. چه کنم که زیاده از این قادر نیویم. مگر آنکه جان خودم را در موقع فدای ترقی وطن عزیزم بنمایم... زنی هم از همسایگان کمیته همت و غیرت نموده با آنکه شوهر ندارد و یک پسر صغیر دارد این بیچاره هم پول نقد نداشت سه فقره اسباب که در صورت علیحده ثبت شده به توسط کمیته تقدیم حضور مبارک نموده که آنها را هم فروخته سند سهام بانک ملی به اسم صغیر مشارالیها مرحمت فرمائید...»<sup>۱۰</sup>

### نسوان قانون خواه

وکلای مجلس که از هراس مرگ مظفرالدین شاه بیمار و اجتناب محمد علی میرزا، پسر و ولیعهدش، از امضای قانون اساسی، ۵۱ ماده‌ی این قانون را معیوب و شتابناک تدوین کرده بودند، از سوی مردم برای تکمیل و افزودن بخش‌های مهمی که آرمان اصلی مشروطه بود - همچون برابری آحاد مردم، رسمیت یافتن آزادی‌های فردی و عمومی - تحت فشار قرار گرفتند.

در این زمان، زنان در اتمام حاجتی به نمایندگان مجلس تا پایان رمضان به آنان مهلت دادند، که با لحاظ داشتن اصول دموکراتیک و خواسته‌های انقلاب مشروطه، قانون اساسی را تکمیل کنند، در این باره تلگرافی از تبریز به تاریخ ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ به مجلس رسید که از بست نشینی زنان قانون خواه در مساجد

تبریز حکایت می‌کند:

### تلگراف از تبریز

خدمت و کلام محترم آذربایجان دامت تأییداتهم [و] حضرت حجة الاسلام آقای سید عبدالله دامت برکاته که... با معیت آقایان حجج اسلام مشغول تطبیق و اتمام قانون اساسی میباشند عموم ملت از این مساعدت فوق الطاقه حضرت معظم الیه نهایت تشکر را دارند.

عین تلگراف جنابعالی را که بقید تعیین مدت ده روزه بامضای قانون اساسی بوده بهر قسم که لازم بود ملت را ساکت و با تعطیل عمومی در تلگرافخانه مبارکه منتظر انقضای مدت و بشارت امضا قانون اساسی میباشند شهد الله تعالی که اولیاً و اعضا انجمن مقدس در اقدام امر به صبر و تسلی و اسکات عموم با اعلی درجه مساعی هستند ولیکن چنانچه مسبوق هستید آحاد و افراد ملت بحقوق خود واقف و تأخیر قانون اساسی را حمل بر مسامحه می‌نمایند معهداً بهر قسم که بود اسباب اسکات نوعی فراهم آمد.

باز استدعا داریم که بذل توجه و همت فرموده چنانچه وعده داده‌اید انشاءالله تعالی چند روزه قانون اساسی تمام و امضای شود و اگر خدا نخواست باز تأخیر بشود ملت را بهیچوجه متقاعد نمی‌توان کرد و این بندگان هم قادر بادای یک کلمه حرف نخواهیم بود جنابعالی را به حقوق اسلامیت و انسانیت قسم می‌دهم که از ساعات خورد و خواب خودتان بر ساعات مطابقه و اتمام قانون اساسی افزوده ملت ایران را عموماً و آذربایجان را خصوصاً مروهون مرحمت و تفضلات خودتان فرمایید از

وضع امروزی شهر کاملاً مستحضر شوید که طایفه نسوان با بچه‌هایی شیرخوار در مساجد محلات مجتمع شده و قانون اساسی را می‌خواستند خورد و خواب را هم بر خودتان جایز نمی‌دیدید - انجمن ملی تبریز.<sup>۱۱</sup>

### انجمن نسوان، محل آسایش دین و دنیا؟!

با همه‌ی ایستادگی و سستی‌ندگی زنان بر گستره‌ی مشروطه‌خواهی و پاسداشت آرمان‌های مشروطه، دوشادوش نمایندگان و عموم مردم، در زمانه‌ای که انجمن‌های مختلف به طور قانونی تشکیل می‌شد، وقتی یکی از نمایندگان مجلس، بلیط انجمن نسوان را در مجلس می‌خواند، این گونه با اجتماع کردن زنان رویارو می‌شوند:

... بنده بلیطی به دست آورده‌ام، می‌خوانم ببینید آیا شرعاً صحیح است یا خیر؟

(بلیط مربوط به انجمن نسوان بود) - این مسئله قابل مذاکره در مجلس نیست و باید به وزارت داخله نوشته شود که قدغن نمایند چنین انجمنی تشکیل نشود.

- بلی در این خصوص صحیح نیست صحبت شود و باید بنظمیه گفت که قدغن نمایند.

- اولاً باید معلوم شود که از بدو اسلام تاکنون جمع شدن نسوان در یک جا شرعاً ممنوع بوده یا نه منتهی اسم انجمن چیزی است تازه اصطلاح شده چه ضرر دارد که جمعی از نسوان دور هم جمع شده و از یکدیگر کسب اخلاق حسنه نمایند بلی در صورتی که معلوم شود که از آنها مفسده که راجع بدین و دنیا باشد بروز نماید البته باید جلوگیری شود والا نباید اساساً این مسئله بد باشد.

- این مسئله هم مثل مسئله بعضی از روزنامه‌ها است که وزیر داخله و

## ● چون قادر نبودند بر

### گفت‌وگوهای زنان در این اجتماعات

کنترل و وقوف یابند و از گفت‌های نهان زنان مستوره، در انجمن‌های زنانه، پایه‌های مردسالاری جامعه را در خطر می‌دیدند، آن را جایز نمی‌شمردند.

غیره نمی‌توانند جلوگیری کنند و این راجع به عقیده است باید کاری کرد که او را از میان برداشت.

- هیچ ایراد شرعی از برای این اجتماع نیست و زن‌های اسلام همیشه در همه جا دور هم‌دیگر جمع می‌شدند و می‌شوند و بموجب قانون اساسی هم

ما چون به طبیعت زنهای مملکت خودمان مسبوق هستیم گمان نمی‌کنم که اشخاص با عفت و با عصمت داخل در این کار شوند و گمان می‌کنم اشخاصی که مفسد و مغرض هستند که می‌خواهند بواسطه این اجتماعات بعضی فسادها کنند این است که

بیرون رفته و اجتماع داشته باشند حرفی نیست اما در این اجتماعات بعضی گفتگوها می‌شود چنانچه اشاره شد که ابداً من نمی‌خواهم در مجلس مذاکره و صحبت شود و همین قدر اشاره کافی است.<sup>۱۲</sup>

از این گفت و گوها به روشنی پیداست که زنان که از هیچ فداکاری و جانسپاری در راه احقاق آرمان‌های مشروطه دریغ نورزیدند، برای برپایی انجمن، که در آن زمان از سوی گروه‌های محلی، فکری و مذهبی و... آزاد بود، با چه اما و اگر و مگرهایی رویارو شدند.

نمایندگان مجلس شورای ملی که همواره از توان راست‌وارانه‌ی زنان برخوردار بودند، اگرچه اصل اجتماع را صحیح می‌دانستند اما اجتماع زنان و نسوان مستوره را نه، چرا که به طبیعت زنان خویش مسبوق بوده و می‌دانستند که از اجتماع آنان معصیت و شر می‌خیزد، گویی اینان، آن زنانی نیستند که پیش از مشروطه در گستره‌های گونه‌گون مبارزه پیروزی آفریدند و چه در مبارزه‌ی مسلحانه، چه در اعتراض و اعتصاب و چه در پرداخت کمینہ اندوخته‌شان به بانک ملی، همیار و همکار بودند.

ناسپاسی و فراموشکاری مجلسیان نسبت به زنان، به حدی بود که با آن که نتوانستند برخلاف حکم شرع، اجتماع زنان را با اجازه‌ی شوهرانشان نادرست شمارند اما چون قادر نبودند بر گفت‌وگوهای زنان در این اجتماعات کنترل و وقوف یابند و از گفت‌های نهان زنان مستوره، در انجمن‌های زنانه، پایه‌های مردسالاری جامعه را در خطر می‌دیدند، آن را جایز ندانستند و تشکیل این اجتماعات را همچون مداخله‌ی زنان در امور پلتیکی، معارض تثبیت اقتدار مردانه پنداشته، و آن را مقتضی نشمردند. □

جز این موارد، دیگر زنان در روزنامه‌ی مجلس حضوری عامل و فاعل نیافته‌اند و ساختارهای ذهنی و زبانی مرد محورانه‌ی این بقیه در صفحه ۶۲



اجتماع می‌نمایند و به این جهت نباید این اجتماعات حاصل شود و باید جلوگیری از فساد آتیه نمود.

- این که می‌گویند زن‌ها نمی‌توانند دور هم جمع شوند خیلی تعجب دارم اما این که در این مجلس نباید مذاکره شود صحیح است و باید این مطلب در روزنامه‌جات نوشته شود، بنده می‌خواستم در این خصوص لایحه نوشته به روزنامه‌ها بدهم و عقیده بنده هم در این است که حالا به اقتضای بعضی مسائل صحیح نیست ولی اصل اجتماع صحیح است.

- در این که نسوان به اذن ازواج خود به‌قانون شرع می‌توانند از خانه

هیچ ایرادی وارد نیست وقتی که می‌گوید ایرانی این لفظ شامل مرد و زن هر دو است مادامیکه اجتماعات محل دینی و دنیوی نباشد ضروری ندارد و ممنوع نیست.

- اول بنده عرض کردم که این مسئله اصلاً صحیح نبود در اینجا مذاکره شود حالا که مذاکره شد عرض می‌کنم چه ضرر دارد که زن‌ها دور هم اجتماع نمایند و بگویند منسوجات خارجه نپوشیم و بگویند که باید تحصیل فلان صنعت و فلان خیاطی را بکنیم.

... این اجتماعات مادام که محل آسایش دین و دنیا نباشد ضروری ندارد.

- اصل اجتماع شرعاً ضروری ندارد ولی